



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

عیوب موجب فسخ نکاح

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین محمد رضا ابراهیم نژاد

محقق:

ابراهیم رضایی

سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۸۸۷

تاریخ ...

بسمه تعالی

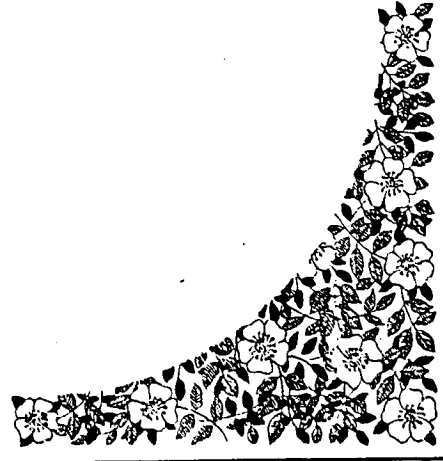
پایان نامه

«کارشناسی ارشد»

عیوب موجب فسح نکاح



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ
الَّذِي يُخَوِّضُ الْوَجْهَانَ
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ



فهرست مطالب:

تقدیم.....	۸
تقدیر تشکر.....	۹
مقدمه.....	۱۰

فصل اول

کلیات، تعاریف:.....	۱۳
۱ - تعریف نکاح.....	۱۴
الف: در لغت.....	۱۴
ب: از نظر فقها.....	۱۷
۲ - تعریف عیب.....	۱۸
الف: در لغت.....	۱۸
ب: در فقه.....	۱۸
۳ - تعریف فسخ.....	۱۸
الف: در لغت.....	۱۸
ب: از نظر فقها.....	۱۹
۴ - تاریخچه نکاح.....	۱۹

فصل دوم

نکاح در اسلام.....	۲۴
--------------------	----



- ۱ - اهمیت نکاح در اسلام ۲۴
- ۲ - آثار و فوائد نکاح از دیدگاه اسلام ۲۶
- الف: فردی و اجتماعی ۲۶
- ب: دینی و اخلاقی ۲۸
- ج: جسمی و روحی ۲۹
- ۳ - عوامل محقق کننده نکاح ۳۰
- الف: لفظ ۳۰
- ب: اشاره ۳۰
- ج: کتابت ۳۱
- ۴ - عوامل الغاء (باطل کننده) نکاح از نظر اسلام ۳۲
- ۱ - طلاق ۳۲
- ۲ - پایان مدت ۳۲
- ۳ - موت احد الزوجین ۳۳
- ۴ - فسخ نکاح ۳۳
- ۴ - اقسام فسخ ۳۴
- الف: فسخ ارادی ۳۴
- ب: غیر ارادی ۳۴

فصل سوم

- عیوب موجب فسخ ۳۷
- ۱ - تقسیمات عیب ۳۷
- الف: تقسیم عیب به لحاظ زمان حدوث ۳۷
- ب: تقسیم عیب به لحاظ طرفین عقد ۳۷
- ج: تقسیم عیب به لحاظ تأثیر در عقد ۳۷
- ۲ - عیوب موجب فسخ ۳۸
- ۱ - ۲ - جنون ۳۸
- الف: تعریف جنون ۳۸
- ب: اقسام جنون ۴۰
- ج: اقوال علماء خاصه و عامه ۴۰
- ۲ - ۲ - خصاء ۴۲
- الف: تعریف خصاء ۴۲
- ب: اقوال فقها (خاصه و عامه) ۴۳
- ج: دلیل فقهی مساله ۴۳
- ۳ - ۲ - عنن ۴۴
- الف: تعریف عنن ۴۴
- ب: طرق اثبات عنن ۴۴
- ج: اقوال فقها (خاصه) ۴۵
- ج - نظر علماء عامه ۴۵



۴۶	د: دلیل فقهی مساله
۴۷	۴-۲- جب
۴۷	الف: تعریف جب
۴۸	ب: اقوال علماء
۴۸	۵-۲- جذام
۴۸	الف: تعریف جذام
۵۰-۴۹	ب: اقوال فقها (خاصه و عامه)
۵۱	۶-۲- برص
۵۱	الف: تعریف برص
۵۱	ب: تشخیص برص
۵۲	۷-۲- قرن
۵۳	۸-۲- افضاء
۵۴	۹-۲- عرج (اقعاد)
۵۵	عمی
۵۵	۱۰-۲- رتق

فصل چهارم

۵۸	احکام فسخ
۶۴	نتیجه و خلاصه بحث
۶۷	منابع

به نام خداوند بفتشده مهربان هستی بفتش

تقديم

به روان پاک يگانه منجی عالم بشریت پیامبر عظیم الشان
اسلام (صلی الله علیه و آله) و بنیان گذار انقلاب اسلامی امام
خمینی (ره) و شهداء راه حق و حقیقت جهان اسلام می گردد.

(تقدیر و شکر)

از تلاشها و پیگیری بی‌شائبه مسئولان محترم واحد پایان نامه به خصوص از استاد ارجمند، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای ابراهیم نژاد (دامة براکاته).

و همچنین از جناب استاد آقای دکتر حسینیان که جهت تشویق و ترغیب طلاب علوم دینی و ارتقاء علمی آنان زحمات بسیاری را متحمل شده‌اند و امر مهم تحقیق را در بین طلاب گسترش داده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

نکته قابل توجه اینکه در این برهه از زمان که تهاجمات فرهنگی و عقیدتی نسبت به ارزشهای سازندهٔ مکتب اسلام و اهل البیت (علیهما السلام) شدت یافته است. نیاز به ابزار مناسب و روش‌های نوین مانند تحقیق و تألیف بیش از پیش احساس می‌گردد.

امید است که بمساعدت و اهتمام مدیریت محترم مرکز جهانی علوم اسلامی این نیاز به شایستگی برآورده گردد.

انشاءالله. والسلام علیکم

ابراهیم رضایی

مقدمه

عقد نکاح و ازدواج بعنوان مبنای تشکیل خانواده و اجتماع، در تمام ادیان الهی، بعنوان یک ارزش اجتماعی در راه سالم سازی محیط اجتماعی مطرح بوده است. پیوند نیکوی ازدواج، بر اساس مبانی حیات بخش اسلام و ادیان دیگر الهی، همواره مد نظر بزرگان دین و پیامبران الهی قرار داشته است این سنت حسنه، در کاهش بزهکاری اجتماعی بسیار مؤثر بوده و جامعه را از افتادن در ورطه ضلالت و گمراهی ناشی از بی بند و باری، نجات داده است.

پیامبر گرامی اسلام حدیث معروفی دارد که می فرماید: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»^(۱) این دستور العمل اخلاقی، از بدو ظهور اسلام تا کنون مشوق و مروج این سنت حسنه بوده است، تا جایی که کمتر عالمی یافت می شود، که در هنگام اجرای عقد نکاح، متوسل به این حدیث مبارک نشده باشد:

آثار ازدواج از دو ناحیه متوجه فرد و اجتماع می گردد. برای جامعه محیط سالم، آرام و بدور از بزهکاری های جنسی و اخلاقی فراهم می سازد و برای فرد علاوه بر آرامش روانی و روحی مبنای تحول عمده و بزرگ در زندگی اجتماعی و اقتصادی اش می گردد. انسان متاهل از یکسو جایگاه مثبت و موجه در بین جامعه به دست می آورد و از سوی دیگر، انگیزه مضاعف برای بهبود زندگی خود می یابد. این دو عامل عمده می تواند اساس یک خانواده ای با انگیزه و سالم را، که نقش عمده در سلامت جامعه دارد، پی ریزی نماید. با توجه به اهمیت امر نکاح و نقش خانواده در سعادت فرد و جامعه؛ دین مقدس اسلام و علماء اخلاق و فقهای بزرگ اسلامی، اهتمام علمی فراوان نموده اند تا از یک جهت امر مهم و اساسی ازدواج را از خلل و

۱ - مستدرک الوسائل، باب ۱ از ابواب مقدمات نکاح، و سائل الشیعه کتاب النکاح، باب ۱، ح ۱۴

ضعف و سستی حفظ کنند؛ و از سوی دیگر در چارچوب احکام الهی امور و شئون مختلفی را که در ایجاد، بقاء و یا انحلال ازدواج و خانواده نقش دارند، شناسائی نموده و زندگی خانوادگی را بر مبنای شناخت صحیح شرعی و فقهی پایه گذاری نمایند. واضح است که دو رکن اصلی نهاد خانواده زن و مرد است همانگونه که سلامت، قوام و استحکام هر بنیادی وابسته به قوام و استحکام و سلامت ارکان اصلی آن است، و الاً دستخوشی تزلزل خواهد شد و در معرض زوال و فرو ریختن قرار خواهد گرفت بنیان خانواده نیز چنین است لذا لازم است که دو رکن نهاد خانواده، یعنی زن و مرد نیز، واجد شرایط لازم، برای نبات قوام و استحکام باشند. و از هر گونه نقص و عیب و مسائل دیگری که زندگی مشترک را دچار آسیب می سازد و مبراً باشند. مرد و زن اگر از سلامت جسمی و روحی بر خور دار نباشند ادامه و بقای زندگی مشترک با مشکل مواجه می گردد. بنابراین، آسایش و آرامش جسمی و روحی (که از اهداف اصلی تشکیل خانواده است) تأمین نخواهد شد. و از آنجا دین مبین اسلام دین کامل، جامع و آینده نگر می باشد، برای این مشکل و خروج از چنین بن بست قواعدی را تمهید نمود. و راههای قرار داده است که به موجب آن هریک از زن و مرد اگر به چنین مشکلی دچار گردد، راه خلاصی از آن داشته باشد یکی از راه حل های مشکل نظام خانوادگی فسخ، عقد نکاح است به عبارت دیگر فلسفه و هدف غائی و حکیمانه در تشکیل خانواده تأمین سلامت روانی، جسمانی نیازهای غریزی، عاطفی و پرورش افراد متعلق به خانواده است، در برخی شرایط و حالات از جمله دچار بودن زن و مرد به پاره ای از عیبه، استمرار زندگی خانوادگی نه تنهایی هدفهای مذکور را محقق نمی سازد.

بلکه باعث نقض غرض است و خود موجب اختلال در سلامت و پرورش اعضای خانواده است، در چنین شرایطی، حق قانونی فسخ نکاح و بر چیدن و تعطیل خانواده یا کانون اختلال به صلاح اعضای خانواده و

افراد جامعه است، در این رساله کیفیت و کمیت و شرایط مربوط به فسخ نکاح و عیوب موجب فسخ مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است. ولی بر این که با مراجعه به منابع اسلامی و دینی فوائد ازدواج و هم چنین راهکارهای فسخ و موجبات انحلال آن بررسی شود. امیدوارم که از این رهگذر اطلاعات کافی عایدتان گردد.

اطلاعات کافی و مناسب حاصل شود. امید است اندیشمندان، محققان و خوانندگان گرامی از هر گونه تذکر و نقد و اصلاح در مورد رساله حاضر دریغ نفرموده نویسنده را در رفع نقایص آن یاری نمایند: والسلام
ابراهیم رضایی

فصل اول

- کلیات، تعاریف
- ضرورت موضوع
- هدف از تحقیق
- تعریف نکاح:
- تعریف اصطلاحی و فقهی
- تعریف عیب
- تاریخچه نکاح:



ضرورت موضوع

همیشه و در هر جامعه‌ای یکی از مسایل حائز اهمیت حل معضلات و مشکلات مختلف (اخلاقی - اجتماعی) آن جامعه است و طبعاً بخشی از مشکلات عمده هر جامعه مشکلات جنسی افراد و به خصوص جوانان است. و نهاد خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی در همین راستا قابل بررسی است، که از زاویه‌های مختلف باید به آن توجه شود، از جمله از زاویه شناسایی عوامل و علل هدم کننده و ویرانگر این بنام بنام مقدس و به این ترتیب ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق این جانب (عیوب موجب فسخ نکاح) روشن شود

هدف از تحقیق

هدف از تحقیق در موضوع فوق اولاً: گسترش و ارتقاء آگاهی و دانش شخص خودم بوده و ثانیاً: چون موضوع فوق به نظر این جانب یک موضوع مهم و مبتلابه است و به درد جامعه می‌خورد خواستم تحقیق تازه‌ای در رابطه با آن ارائه شود.

تعریف نکاح:

الف: لغوی:

اهل لغت و ارباب ادب، کلمه (نکاح) را مصدر ثلاثی از باب نَكَحَ يَنْكِحُ نِكَاحاً و نَكَحاً دانسته‌اند^(۱) در اینکه کلمه نکاح، در لغت به چه معنی است، آیا بمعنی عقد است؟ یا به معنی وطی است و یا اینکه مشترک



لفظی بین هر دو تا است:

اختلاف نظر میان اهل فن و ارباب لغت وجود دارد و معانی متفاوتی برای این کلمه گفته‌اند:

۱- مصباح المنیر

ایشان سه معنی برای واژه نکاح بیان می‌کنند.

الف: غلبه و تأثیر: می‌گوید نکاح یا مأخوذ است از نکحه الدواء، هنگامیکه کسی دوائی را بخورد، که براو تأثیر داشته بر مرضش غلبه کند.

ب: آمیختن و مخلوط شدن: و یا گرفته شده از نکح المطر الارض است؛ یعنی باران با خاک در آمیخت و مخلوط گشت.

ج: ضمیمه شدن: و یا اینکه از تناکحت الاشجار یعنی بعضی از آنها با بعضی دیگر ضمیمه شده، مأخوذ است (۱).

ایشان بعد از نقل این معانی نتیجه می‌گیرد که: نکاح نه در عقد ونه در وطی، در هیچ یک حقیقت نیست، بلکه در هر دو مجاز است، مؤید می‌آورد اینکه از کلمه نکاح هیچ کدام از این دو معنی که (عقد وطی) باشد بدون قرینه دانسته نمی‌شود: مانند نکح بنی فلان «یعنی بنی فلان» قرینه است که مراد عقد است. و یا مانند نکح زوجه که مراد وطی است به قرینه (زوجة)

۲- قاموس اللغة:

نکاح را به معنی وطی و عقد هر دو گرفته است: گویا ایشان بین معنی حقیقی و مجازی - بین معنی لغوی و شرعی - این کلمه خلط کرده است (چون نکاح معنی لغوی و حقیقی‌اش، وطی است و معنی

شرعی آن عقد است^(۱)

۳ - صحاح اللغة:

نکاح در اصل به معنی وطی است و گاهی برای عقد هم استعمال می‌شود^(۲).

۴ - راغب اصفهانی بر عکس صحاح اللغة عقیده دارد. می‌فرماید: «اصل نکاح برای عقد است». سپس برای جماع استعاره گرفته شده است. محال است که نکاح در اصل برای جماع بوده باشد و بعد از کنایه گرفته شود برای عقد نکاح، زیرا که اسامی که برای جماع استعمال می‌شود کنایه است، بخاطر قبیح بودن ذکر آن، و بخاطر قبیح بودن اخذ آن برای عقد نکاح، لذا محال است کسی که قصد فحش ندارد چنین کلمه زشت را برای چیزی خوب (عقد) استعاره بگیرد^(۳). (پس کلمه نکاح در اصل برای عقداست نه جماع) علامه طباطبائی می‌فرماید: «حرف راغب خوب است جز اینکه لازم است گفته شود» مراد از عقد، علاقه زوجیت است نه عقد لفظی^(۴).

جواهر الکلام: نکاح در لغت به معنی وطی است (عندالمشهور).

علامه حلی در کتابهای مختلف به این مطلب، ادعای اجماع (اتفاق اهل لغت) نموده است^(۵).

۱ - جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۵ قال فی الجواهر کما نقل عن القاموس (انه الوطة والعقد)

۲ - به نقل از جواهر الکلام ج ۲۹ ص ۵ قال فی محکی الصحاح (النکاح الوطة، و قد قال العقد)

۳ - الراغب الاصفهانی المفردات فی غریب القرآن ص ۵۰۵ اصل نکاح للعقد ثم استعیر للجماع و محال ان یكون فی الاصل للجماع ثم استعیر للعقد لان اسماء الجماع کلها کنایات لاستباحهم ذکره کاستباح تعاطیه و محال ان یستعیر من لا یقعد فحشا اسم ما ستفظعونه لما یستحسنونه.

۴ - تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۰۲

۵ - نجفی محمد حسین، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵



ب: تعریف اصطلاحی و فقهی

در لسان شرع و در اصطلاح فقها، این کلمه به معنی عقد بکار رفته است، چنانکه علامه در تذکره الفقهاء و تحریر الاحکام متذکر این مطلب شده است،^(۱) و نیز در اصطلاح حقوقی (حقوق مدنی) آنرا چنین تعریف کرده‌اند: «نکاح عقدی است که زن و مردی، به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می‌شوند»^(۲) بنا بر این نکاح رابطه‌ای قرار دادی است، که بین زن و مردی ایجاد و با آن کانون گرمی بنام خانواده بنیان گذاشته می‌شود، که مرکز امن و آرامش و آسایش ایشان است، و نکاح از عقود است که، جنبه مالی و غیر مالی هر دو را داراست، زیرا که از طرفی در اثر عقد نکاح، مرد موظف می‌شود که نفقه زن و سایر اعضای خانواده را بپردازد و مالی را بعنوان مهریه به زن بدهد و از سوی دیگر، زن و مرد مکلف می‌شوند، که برای تثبیت نظام اجتماعی، مبانی خانواده، و تربیت فرزندان با هم همکاری کنند:^(۳)

بر این است که در شرع و اصطلاح مشهور نکاح شرعاً و اصطلاحاً به معنی عقد است.

از مرحوم شیخ و دیگران ادعای اجماع شده است بر این مطلب صاحب جواهر می‌فرماید: که «نکاح در شرع به معنی تسلیط بر بضع است. به معنای عقد نیست اینان می‌فرماید: که نکاح و بیع و صلح و نحو اینها از وادی واحد اند. همانطور که گفته شد بیع بمعنی عقد نیست بلکه به معنای نقل و انتقال است. این هم به معنای تسلیط بضع است»^(۴).

به نظر می‌رسد قول مشهور صحیح است، زیرا که در قرآن کریم لفظ نکاح بغیر از عقد به معنای دیگری

۱ - تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۶۵

۲ - کاتوزیان دکتر ناصر، حقوق مدنی، ج ۱، چ سوم ۱۳۷۱، ص ۲۰

۳ - حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۰

۴ - جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۶



بکار نرفته است و در حقیقت نکاح، عقد و قرار دادی است؛ میان زوجین به هدف تشکیل زندگی مشترک زناشویی که وظائف حقوق شرعی و قانونی و آثار مختلفی (از جمله تولد و پرورش فرزند) بر آن مترتب است.

تعریف عیب

الف: در لغت

«عیب» در لغت به معنی نقص و مطلق کمبودی می‌آید^(۱)، راغب می‌گوید: «عیب امر و چیزی است که شیء، به واسطه آن در محل نقص قرار می‌گیرد؛ یعنی عینی به سبب او معیوب می‌شود، پس عیب در لغت عبارت است، از نقص و کمبود عینی که از ارزش اصلی و واقعی آن کم می‌شود^(۲)».

ب: از نظر فقها

با مراجعه به کتب فقهی هم معلوم می‌شود، که عیب به همین معنی بکار رفته است؛ ولیکن در این رساله عیب و نقصی که سبب می‌شود انسان بواسطه آن عقد نکاح را بهم بزند مورد نظر و عنایت است و پیرامون آن بحث خواهد شد.

تعریف فسخ

الف: در لغت

یکی از کلمات که لازم به تعریف است، کلمه فسخ است. فسخ در لغت به معنی نقص کردن، شکستن،

۱ - فرهنگ لاروس

۲ - مؤدات راغب ص ۳۵۱ کلمه (عاب)

پراکنده ساختن و رافع و زایل کردن می آید و به معنی ابطال قرار داد، بوسیله طرفین هم می آید^(۱)، در لسان العرب فسح را به معنی نقص معنی کرده و می گوید: «تفاسخت الاقاریل (تناقضت)» یعنی حرفها با هم تناقض پیدا کرد. «والفسح: زوال المفصل عن موضعه»، جدا شدن و در رفتن مفصل از جایگاه خود و فسح را به معنی افساد و فاسد شدن و فاسد نمودن هم معنی کرده اند^(۲).

ب: از نظر فقها:

و معنی شرعی آن هم ریشه در معنی لغوی دارد، چون به معنی رفع عقد و ابطال قرار دادی است که بین دو طرف ایجاد شده است. چنانکه گفته شده فسح در شرع به معنی رفع عقد است، به همان وصف و کیفیتی که قبلاً بود، بدون زیاد و نقصان^(۳).

تاریخچه نکاح:

مسأله نکاح و ازدواج (بعبارتی تشکیل خانواده) از اصول کارهای اجتماعی است، که در میان همه امتها و ملتها و از زمانهای بسیار دور وجود داشته است؛ بشر از آغاز پیدایش و ازدیادش تا کنون این عمل را ترک نکرده اند^(۴). «هرچند باسیستمهای غلط نامعقول و غیر انسانی» اما اصل وجود آن در میان همه انسانها و اقوام غیر قابل انکار است که به نمونه‌هایی از آن در دوران جاهلیت اشاره می‌شود:

۱ - فرهنگ لاروس لغت نامه دهخدا ج ۱۰ انتشارات دانشگاه تهران چ ۱۳۷۳

۲ - ابن منظور لسان العرب ج ۱۰ ص ۲۶۰ کلمه فسح

۳ - فرهنگ اصطلاحات لمعه الدشقیه

۴ - تفسیر المیزان ج ۲ چ بیروت ن موسسه اعلمی ۲۷۷ ص ۸

۱ - نکاح البدل:

به این معنی؛ «مردان» زنان خود را به هم عوض می‌کردند.

۲ - نکاح الرهط: یعنی یک زن در اختیار چند مرد بود و همه با او آمیزش می‌کردند تا وضع حمل کند. اگر دختر «بدنیا» می‌آورد کسی او را به همسری نمی‌گرفت اما اگر پسر می‌آورد انتخاب شوهر از میان آن چند نفر در اختیار همان زن بود، تا هر کس را که بخواهد انتخاب کند.

۳ - نکاح الشغار: یعنی دختری را می‌دادند و دختری را می‌گرفتند، یعنی یکی را مهر دیگری قرار می‌دادند.

۴ - نکاح السفاح: یعنی زنی را بطور غیر قانونی و از طریق زنا در اختیار می‌گرفتند^(۱).

۵ - نکاح المقت: یعنی اول کسی که بعد از مرگ شوهر زن، چادر بر سرش می‌افکند، آن زن در اختیار او بود؛ و یا عبارت دیگر بعد از مرگ شوهر (مثل ماترک) به فرزند بزرگ متوفی (در صورتی که زن مادر این فرزند نبود) و در غیر اینصورت «اگر فرزند بزرگ دختر بود» به فرزند کوچک‌تر، که پسر بود می‌رسید و اگر نداشت به نزدیکترین مردهای منسوب به شوهر می‌رسید^(۲).

اینها نمونه‌هایی از نکاح بود، که در دوران جاهلیت در سرزمین حجاز، رواج داشت، واضح است که هیچ کدام از اینها با شخصیت، عزت و غیرت انسانی انسان، سازگار نیست. و بخصوص زن که در آن روز از مقام

۱ - شجاعی سید قاسم (سلام اسلام) در مجموعه گفتار و غاظ گردآوری لنگرودی مهدی تاج ۱ ص ۲۲۲

۲ - علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان ج ۴ ذیل آیه ۱۹ سوره نساء یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها... می‌فرماید از تواریخ و روایات برمی‌آید که اعراب دوران جاهلیت همسر مردی را که مرده بود جزء ماترک به حساب آورده بود و به ارث می‌بردند آنگونه که یکی از ورثه پارچه‌ای بر عیال متوفی می‌انداخت و او را مالک می‌شد در این صورت اگر میل داشت بدون مهر با وی ازدواج می‌کرد و اگر می‌خواست می‌توانست او را به دیگری تزویج کند و از مهر او استفاده کند و اگر نمی‌خواست مانع از ازدواج او با دیگری می‌شد تا اینکه می‌مرد و اگر صاحب مال بود از مالش استفاده می‌کرد.